

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال اول، شماره اول، پیاپی ۱، تابستان ۱۳۹۴، ص ۸۱ - ۹۴

اثربخشی آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر خویشن‌داری جنسی دانشجویان پسر

The Effectiveness of Teaching Spiritual Intelligence Components on Male Students' Sexual Self-Control

✍️ نصیر عابدینی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

✉️ Nasir Abedini / PhD student of psychology, RIHU.

Email: abedininasir@yahoo.com

فرامرز سهرابی / دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

Faramarz Sohrabi / associate professor of Allamah Tabatabaaii

Abstract

The present study aims to determine the effectiveness of teaching the components of spiritual intelligence on sexual self-control of male students of Tehran Universities. The research design used in this research is experimental with pretest posttest, control group. Among all male students of Tehran Universities, 26 participants were selected using multistage random cluster sampling. The data were collected through sexual self-control questionnaire, for the description of data mean and standard deviation were used, and covariance test was used for inferential analysis. The results of data analysis showed that teaching the components of spiritual intelligence leads to increasing sexual self-control in male students of Tehran universities.

Key words: spiritual intelligence, sexual self-control, experimental design.

چکیده

پژوهش پیش رو، با هدف تعیین میزان اثربخشی آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر خویشن‌داری جنسی دانشجویان پسر دانشگاه‌های تهران انجام شده است. طرح پژوهشی استفاده‌شده در این پژوهش، طرح آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش، همه دانشجویان پسر دانشگاه‌های تهران بود که از میان جامعه آماری، ۲۶ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات، از پرسش‌نامه خویشن‌داری جنسی، در سطح توصیف داده‌ها از میانگین و انحراف معیار، و در سطح تحلیل استنباطی از آزمون کوواریانس استفاده شده است. نتایج تحلیل داده‌های این پژوهش نشان داد که آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی، موجب افزایش خویشن‌داری جنسی دانشجویان پسر دانشگاه‌های تهران می‌شود.

کلیدواژه‌ها: هوش معنوی، خویشن‌داری جنسی، طرح آزمایشی.

مقدمه

غریزه جنسی یکی از نیرومندترین غرایز آدمی است که اگر، هماهنگ با هدف آفرینش انسان، در مسیر تشکیل خانواده هدایت شود، باعث افزایش سلامت روان، آرامش، مهرورزی و رضامندی از زندگی می‌شود و اگر کنترل و مدیریت نگردد مشکلاتی چون بی‌رغبتی به ازدواج‌های قانونی، افزایش خیانت‌های زناشویی، طلاق، گسترش تجاوز، سوءاستفاده از کودکان، تجارت سازمان‌یافته فحشا، فراگیری صنعت پورنوگرافی و نیز بیماری‌های مقاربتی را در پی خواهد داشت (گلزاری، ۱۳۸۵). از این رو یکی از مباحث مهم و سرنوشت‌ساز در مسائل جنسی و آسیب‌شناسی آن، بحث کنترل و خویشنداری جنسی است که، به ویژه در چند سال اخیر، روان‌شناسان را به خود مشغول داشته است (جعفری، ۱۳۸۶).

خویشنداری جنسی یعنی به تعویق انداختن ارضای میل جنسی تا زمان ازدواج و نیز عدم ارضای غیرشرعی و غیرعرفی آن پس از ازدواج (گلزاری، ۱۳۷۹). عوامل بسیاری می‌توانند در افزایش خویشنداری جنسی مؤثر باشند که بخشی از آن‌ها عوامل معنوی هستند. تحقیقات بسیاری (از جمله فولتن^۱، گورسوچ^۲ و می‌نارد^۳؛ ۱۹۹۹؛ بیت - هالاهمی^۴ و آرگیل^۵؛ ۱۹۹۷؛ استارک^۶ و بین بریچ^۷؛ ۱۹۹۶ و دوناهو^۸ و بنسن^۹؛ ۱۹۹۵ به نقل از گلزاری، ۱۳۷۹) نقش عوامل معنوی و مذهبی را در کاهش رفتارهای جنسی نشان داده‌اند. مفاهیم و عوامل معنوی تا حدودی کلی و غیرساختارمند هستند؛ از این رو در سال‌های واپسین قرن بیستم مفهومی جدید و کاربردی از معنویت به نام «هوش معنوی»^{۱۰} سر برآورد. هوش معنوی دربرگیرنده مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌هایی است که برای افزایش بهزیستی و انطباق‌پذیری فرد از منابع معنوی استفاده می‌کنند (سیسک^{۱۱} و تورنس^{۱۲}، ۲۰۰۱). مفهوم هوش معنوی در ادبیات آکادمیک روان‌شناسی را اولین بار در سال ۱۹۹۶ استیونز^{۱۳} و در سال ۱۹۹۹ امونز^{۱۴} مطرح کردند (سهرابی، ۱۳۸۷). امونز تلاش کرد معنویت

- | | | | |
|-----------------|-----------------------------|-------------------|----------------------|
| 1. Fulton, A.S. | 2. Gorsuch, R.L. | 3. Maynard, E.A. | 4. Beit-Hallahmi, B. |
| 5. Argyle, M. | 6. Stark, R. | 7. Bainbridge, W. | 8. Donahue, M.J. |
| 9. Benson, P.L. | 10. spiritual intelligence. | 11. Sisk, D.A. | 12. Torrance, E.P. |
| 13. Stivens, | 14. Emmons, R.A. | | |

را بر اساس تعریف گاردنر^{۱۵} در چارچوب هوش مطرح نماید و معتقد بود معنویت می‌تواند شکلی از هوش تلقی شود؛ زیرا عملکرد و سازگاری فرد را پیش‌بینی و قابلیت‌هایی را مطرح می‌کند که افراد را قادر می‌سازد به حل مسائل بپردازند و به اهداف‌شان دسترسی داشته باشند (همان). هوش معنوی، از نظر امونز (۲۰۰۰)، کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی برای حل مسئله در زندگی روزانه و فرایند دستیابی به هدف است. وی به صورت ابتکاری پنج مؤلفه را برای هوش معنوی پیشنهاد کرده است: ۱. ظرفیت تعالی (فراگذشتن از دنیای جسمانی و مادی و متعالی کردن آن)؛ ۲. توانایی آراستن فعالیت‌ها، حوادث و روابط زندگی روزانه با احساسی از تقدس؛ ۳. توانایی ورود از هوشیاری به حالت‌های معنوی؛ ۴. توانایی استفاده از منابع معنوی برای حل مسائل زندگی؛ ۵. ظرفیت اشتغال به رفتار فضیلت‌مآبانه (بخشش، سپاس‌گزاری، فروتنی، احساس شفقت و ...) (به نقل از ناصری، ۱۳۸۶).

بر اساس نظر زوهر^{۱۶} و مارشال^{۱۷} (۲۰۰۰) به واسطه هوش معنوی به مشکلات معنا و ارزش می‌بخشیم و به حل آن‌ها می‌پردازیم. با استفاده از هوش معنوی می‌توانیم اعمال و زندگی‌مان را در بافتی که از لحاظ معنادهی غنی‌تر و وسیع‌تر است قرار دهیم و میزان معنای یک روش یا یک راه زندگی را در مقایسه با دیگر راه‌ها و روش‌ها بسنجیم. هوش معنوی، هوش بنیادی و اساسی ما و پایه‌ای ضروری برای عملکرد مؤثر هوش منطقی و هوش هیجانی است. زوهر و مارشال (۲۰۰۰) نشانه‌های یک هوش معنوی رشدیافته را چنین بیان کرده‌اند: ۱. ظرفیت انعطاف‌پذیری؛ ۲. درجه بالایی از خودآگاهی؛ ۳. ظرفیت رودررویی با رنج و استفاده از آن؛ ۴. ظرفیت رودررویی با درد و متعالی کردن آن؛ ۵. ویژگی الهام گرفتن از رؤیا و ارزش‌ها؛ ۶. عدم تمایل به آزار و اذیت؛ ۷. گرایش به دیدن پیوندهای بین چیزهای گوناگون (کل‌نگر بودن)؛ ۸. گرایش آشکار به پرسیدن سؤال‌های «چرا» یا «چه می‌شود» و جست‌وجوی پاسخ‌های اساسی؛ ۹. استقلال از بافت، که فعالیت بر خلاف عرف را تسهیل می‌کند.

سانتوس^{۱۸} (۲۰۰۶) معتقد است هوش معنوی درباره ارتباط با آفریننده جهان است. وی این هوش را توانایی شناخت اصول زندگی (قوانین طبیعی و معنوی) و بنا نهادن زندگی بر اساس این قوانین تعریف کرده است. وی این مؤلفه‌ها را برای هوش معنوی عنوان کرده

15. Gardner, H.

16. Zohar, D.

17. Marshall, I.

18. Santos, E.S.

است: ۱. شناخت و تصدیق هوش معنوی، یعنی باور داشتن به اینکه ما موجوداتی معنوی هستیم و زندگی جسمانی (در این جهان) موقتی است؛ ۲. بازشناسی و باور یک موجود معنوی برتر (یعنی خداوند)؛ ۳. اگر خالق هست و ما مخلوق هستیم، باید کتاب راهنمایی هم وجود داشته باشد؛ ۴. لزوم شناسایی هدف زندگی (وجود چیزی که انسان را فرا می‌خواند) و پذیرفتن اینکه از نظر ژنتیکی، بعضی از توانایی‌ها کدگذاری شده‌اند؛ ۵. شناختن جایگاه خود در نزد خداوند (شخصیت فرد بازتاب فهم وی از خداوند است)؛ ۶. شناخت اصول زندگی و پذیرفتن اینکه برای داشتن زندگی موفق باید سبک زندگی و تصمیمات خود را مطابق این اصول شکل داد.

به دلیل نو بودن مفهوم هوش معنوی تحقیقات چندانی درباره رابطه این مفهوم با دیگر مفاهیم روان‌شناختی در محافل آکادمیک جهان صورت نگرفته است. از این رو پیشینه تحقیقی خاصی برای رابطه هوش معنوی با خویشتن‌داری جنسی یافت نشد. در میان تعاریف متعدد هوش معنوی، تعریف سانتوس (۲۰۰۶) برای آموزش انتخاب شد؛ زیرا اولاً بر مفهوم معنویت مذهبی تأکید دارد و از این جهت به مفهوم دین‌داری نزدیک می‌شود؛ بنابراین تحقیقات قبلی در زمینه رابطه دین‌داری با خویشتن‌داری جنسی می‌تواند خلأ پیشینه تحقیق را پر نماید و از این طریق بر استحکام تحقیق بیفزاید. ثانیاً به نظر می‌رسد آموزش مؤلفه‌های آن تأثیر بیشتری بر خویشتن‌داری جنسی داشته باشد. با عنایت به این نکته باید گفت تحقیقات بسیاری درباره نقش دین و معنویت در کاهش سوء رفتارهای جنسی به انجام رسیده است.

بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که هرچه میزان معنویت و دین‌داری افراد بیشتر باشد، مصونیت بیشتری در برابر کژی‌های رفتاری پیدا می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۷). به نظر نیومن^{۱۹} و پارگامنت^{۲۰} (۱۹۹۰ به نقل از صادقی جهانپهان، ۱۳۷۹) مذهب می‌تواند در آرامش هیجانی و مهار تکانه مؤثر باشد. لارسن^{۲۱} در تحقیقی با موضوع روان‌پزشکی مذهبی و تأثیر اعتقاد دینی در عملکرد بالینی گزارش می‌کند که در جنبش روان‌پزشکی مسیحی عملکرد درمانی ۱۹۳ روان‌پزشک بررسی شد تا نقش و تأثیر عقاید مذهبی در اقدامات درمانی آنان ارزیابی شود. ۴۹٪ از آزمودنی‌ها، که روان‌پزشکانی با عقاید قوی

19. Newman, J.S.

20. Pargament, K.I.

21. Larson, M.

مذهبی بودند. معتقد بودند عقاید مذهبی آنان را از هم‌جنس‌بازی یا تجارب جنسی پیش از ازدواج بازمی‌دارد و ۲۸٪ دیگر، که مذهبی نبودند، اظهار داشتند که با دعا و نیایش از این رفتارها دوری گزیده‌اند (صادقی جهانیان، ۱۳۷۹).

موسوی (۱۳۷۸) به نقل از جعفری، (۱۳۸۶) در تحقیق خود با عنوان «بررسی چگونگی و علل انحرافات اجتماعی و زنان جوان (بین سنین ۱۳ تا ۲۸ ساله) در شهر مشهد» به این نتیجه رسید که هرچه میزان پای‌بندی فرد به شعائر مذهبی بیشتر باشد، احتمال انحراف وی کمتر می‌شود. گلزاری (۱۳۷۹) در تحقیق خود با عنوان «تهیه ابزارهایی جهت سنجش عمل به باورهای دینی و انواع حیا و بررسی رابطه دین‌داری و حیا با ویژگی‌های شخصیت و سلامت روانی» به رابطه مثبت حیا و خویشن‌داری جنسی با دین‌داری رسیده است. کروین^{۲۲} و بندا^{۲۳} (۲۰۰۰) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که تقیّد مذهبی تأثیر ویژه‌ای بر کاهش تخلفات دوران نوجوانی دارد.

هیرسچی^{۲۴} و استارک^{۲۵} (۱۹۶۹) به نقل از کروین و بندا، (۲۰۰۰) نشان دادند که تقیّد مذهبی رابطه‌ای منفی با رفتارهای منحرفانه دارد. تورنتون^{۲۶} و کامبرن^{۲۷} (۱۹۸۹) به نقل از لطف‌آبادی، (۱۳۸۱) نیز نشان دادند که عموم نوجوانان و جوانانی که تعلق و وابستگی محکم‌تری به کلیسا دارند و به‌طور مستمر در مراسم آن شرکت می‌کنند، نگرشی منفی به ارتباط جنسی خارج از ازدواج دارند، اطلاعات و تجربه اندکی در این مورد دارند و دوستان خود را نیز از افرادی شبیه خویش انتخاب می‌کنند.

پژوهش‌های زیادی (از جمله فولتن، گورسوچ و می‌نارد، ۱۹۹۹؛ بیت - هالاهمی و آرگیل، ۱۹۹۷؛ استارک و بین‌بریچ، ۱۹۹۶ و دوناهو و بنسن، ۱۹۹۵) به نقل از گلزاری، (۱۳۷۹) تأیید می‌کنند که افراد مذهبی، بیشتر میل جنسی خود را در چارچوب ازدواج قانونی و شرعی ارضا می‌کنند و نسبت به افراد غیرمذهبی، کمتر به روابط قبل از ازدواج، تماس‌ها و ارتباط‌های بعد از ازدواج، تجاوز، زنا با محارم، هم‌جنس‌خواهی، جامعه‌ستیزی، جرم و بزه‌کاری می‌پردازند. این یافته مطابق تقریباً تمام پژوهش‌هایی است که در این زمینه انجام شده است. چادویک^{۲۸} و تاپ^{۲۹} (۱۹۹۳) با مطالعه ۲۱۴۳ نوجوان عضو یک کلیسا به

22. Corwyn, R.F.

25. Stark, N.

28. Chadwick, B.A.

23. Benda, B.B.

26. Thorton, A.

29. Top, B.L.

24. Hirschi, M.

27. Camburn, D.

این نتیجه رسیدند که ارزش‌های اخلاقی در افراد مذهبی درونی می‌شود و به همین دلیل آنان کم‌تر از افراد غیرمذهبی مرتکب بزه‌کاری و اعمال خلاف قانون می‌شوند. دونا هو و بنسن (۱۹۹۵) با تلخیص پژوهش گسترده بنسن (۱۹۹۳)، که در ۳۲ ایالت امریکا بر روی صدها هزار نوجوان امریکایی صورت گرفت، و به نام «سفر پر دردسر» منتشر شد، نشان دادند که باورهای مذهبی می‌توانند نوجوانان را در برابر تجاوز جنسی، سوء مصرف الکل و مواد مخدر، انحرافات، آزار و دزدی، شرارت، قتل و دیگر بزه‌کاری‌ها و قانون‌شکنی‌ها مصونیت بخشند.

هولدر^{۳۰} و دیگران (۲۰۰۰) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که معنویت یک عامل نگهدارنده نوجوانان برای مقاومت و تسلیم نشدن در برابر رفتارهای پرخطر و فشارهای منفی جنس مخالف است. این گروه مطالعه‌ای نیز بر روی ۱۴۱ نوجوان امریکایی انجام دادند و به این نتیجه دست یافتند که نوجوانانی که دوستانشان دارای ارزش‌ها و باورهای معنوی هستند، احتمالاً کمتر درگیر فعالیت جنسی داوطلبانه می‌شوند (همان).

پژوهش بک^{۳۱} و دیگران (۱۹۹۱) به این نتیجه رسید که افرادی که باورها و ارزش‌های قوی معنوی خود را حفظ کرده‌اند، در موضوع رفتار جنسی قوه تمیز بیشتری دارند. لیک^{۳۲} (۱۹۹۳) معتقد است که معنویت همبستگی مثبتی با خویشتن‌داری دارد. نتیجه تحقیق روزنائو^{۳۳} و تان^{۳۴} (۲۰۰۲) این بود که افرادی که باورها و ارزش‌های قوی معنوی دارند در برابر رفتارهای جنسی پرخطر مقاوم‌ترند. فیشر^{۳۵} (۱۹۸۶) در تحقیقی به این نتیجه دست یافت که نوجوانانی که خودشان را معنوی می‌پندارند، احتمالاً کمتر از نوجوانانی که با خداوند یا موجودات برتر دیگر ارتباط معنوی ندارند، مشغول رفتارهای پرخطر می‌شوند. داسول^{۳۶}، کوپات^{۳۷} و تیلور^{۳۸} (۲۰۰۳) به این نتیجه رسیدند که تقیید مذهبی و خصوصی نوجوان، که از طریق دعا و مراقبه ابراز می‌شود، بیشتر از ابراز عمومی مذهب باعث مقاومت در برابر شروع زود هنگام رابطه جنسی می‌شود. آنان همچنین نشان دادند که معنویت رابطه مثبتی با کاهش رفتار جنسی نوجوانان افریقایی‌تبار امریکا دارد. چایلدز^{۳۹}

30. Holder, D.W.

31. Beck, S.H.

32. Leak, O.K.

33. Rosenau, D.E.

34. Tan, E.S.N.

35. Fisher, T.D.

36. Doswell, W.M.

37. Kouyate, M.

38. Taylor, J.

39. Childs, G.

(۲۰۰۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که معنویت یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در خویشتن‌داری جنسی دختران افریقایی تبار امریکا است. اهمیت روزافزون تحقیق درباره رفتار جنسی انسان و خلأهای موجود در این تحقیقات این ضرورت را ایجاد می‌کند که از ابعاد مختلف به این موضوع پرداخته شود. در این تحقیق با این فرضیه که «آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر خویشتن‌داری جنسی دانشجویان مؤثر است» به بررسی تأثیر آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر خویشتن‌داری جنسی دانشجویان پرداخته‌ایم.

روش پژوهش

این پژوهش از روش آزمایش از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بهره برده است. جامعه آماری این پژوهش از کلیه دانشجویان پسر دانشگاه‌های تهران شکل گرفته است (به دلیل حساسیت موضوعات مرتبط با امور جنسی در عرف جامعه و نزد مسئولان دانشگاه‌ها امکان اجرای آن در میان دختران وجود نداشت). ابتدا با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای چهار دانشگاه از دانشگاه‌های تهران به صورت تصادفی انتخاب شدند و از هر دانشگاه یک رشته و از هر رشته یک کلاس انتخاب شد. پرسش‌نامه خویشتن‌داری جنسی به دانشجویان داده شد و در نهایت از ۱۲۴ پرسش‌نامه ۲۶ نمونه، پس از تصحیح و استخراج اطلاعات و نتایج، انتخاب شدند. با توجه به ترجیح وجود حداقل ۸ تا ۱۲ نفر در هر گروه پژوهش آزمایشی (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۰)، تعداد هر گروه ۱۳ نفر در نظر گرفته شد. این دانشجویان دارای خویشتن‌داری جنسی پایین و نمرات کم در پرسش‌نامه بودند. این ۲۶ نفر، به شیوه جورکردنی و به صورت تصادفی، در دو گروه سیزده نفره آزمایشی و کنترل جایگزین شدند. ابزار گردآوری در پژوهش حاضر پرسش‌نامه خویشتن‌داری جنسی بود که جعفری در سال ۱۳۸۶ تهیه کرده است. این پرسش‌نامه، که زیرمقیاس ندارد، حاوی ۴۴ عبارت است و کلید نمره‌گذاری دارد که به کمک آن می‌توان نمره‌های آزمودنی‌ها را محاسبه کرد. ۲۰ پرسش (شماره‌های ۱، ۳، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۷، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۸ و ۴۳) دارای نمره مثبت و ۲۴ سؤال دیگر دارای نمره منفی هستند. این پرسش‌نامه نقطه برش ندارد و هرچه جمع جبری این پرسش‌ها به عدد ۲۰ نزدیک‌تر باشد، سطح خویشتن‌داری آزمودنی بالاتر است. پایایی این

پرسش‌نامه را جعفری در سال ۱۳۸۶، با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ و هم‌چنین هم‌سانی درونی سوالات، اندازه‌گیری کرد؛ ضریب پایایی نهایی این پرسش‌نامه برابر با ۰/۹۳ بود. جعفری در همان سال روایی ساختاری این پرسش‌نامه را نیز با استفاده از روش تحلیل عاملی بررسی کرد. برخی عبارات پرسش‌نامه عبارت‌اند از: «ترجیح می‌دهم با جنس مخالف تنها نمانم»، «معمولاً به سایت‌های جنسی سر می‌زنم» و «با رابطه جنسی قبل از ازدواج موافقم».

گروه آزمایشی یک جلسه در هفته تحت آموزش قرار گرفت. با توجه به نو بودن مفهوم هوش معنوی و نبود هیچ بسته آموزشی داخلی و خارجی در این زمینه، این بسته را پژوهشگر این طرح برای اولین بار طراحی کرد و محتوا و فرم آن را به تأیید سه نفر از روان‌شناسان با تجربه رساند. ده جلسه آموزشی یک ساعته در نظر گرفته شد. بعد از ده جلسه آموزش برای گروه آزمایشی، از اعضای هر دو گروه آزمایش و کنترل دوباره دعوت به عمل آمد و پس از آزمون پرسش‌نامه خویشتن‌داری جنسی در میان هر دو گروه اجرا شد.

خلاصه برنامه جلسات آموزشی به شرح ذیل است: جلسه اول: تعریف معنویت (از منظر روان‌شناختی)؛ جلسه دوم: تعریف هوش، هوش معنوی؛ جلسه سوم: آموزش مؤلفه اول هوش معنوی از منظر سانتوس: «باور به اینکه ما موجوداتی معنوی هستیم و زندگی جسمانی (در این جهان) موقتی است»؛ جلسه چهارم: آموزش مؤلفه دوم هوش معنوی از منظر سانتوس: «بازشناسی و باور یک موجود معنوی برتر (یعنی خداوند)»؛ جلسه پنجم: آموزش مؤلفه سوم هوش معنوی از منظر سانتوس: «باور به اینکه اگر خالق هستی و ما مخلوق هستیم باید کتاب راهنمایی هم وجود داشته باشد»؛ جلسه ششم: آموزش مؤلفه چهارم هوش معنوی از منظر سانتوس: «اعتقاد به لزوم شناسایی هدف زندگی»؛ جلسه هفتم: آموزش مؤلفه پنجم هوش معنوی از منظر سانتوس: «شناختن جایگاه خود در نزد خداوند»؛ جلسه هشتم: آموزش بخش اول مؤلفه ششم هوش معنوی از منظر سانتوس: «شناخت اصول زندگی»؛ جلسه نهم: آموزش بخش دوم مؤلفه ششم هوش معنوی از منظر سانتوس: «پذیرفتن اینکه برای داشتن زندگی موفق باید سبک زندگی و تصمیمات خود را مطابق این اصول شکل داد»؛ جلسه دهم: جمع‌بندی مطالب و تقدیر و تشکر از دانشجویان.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش به منظور بررسی تأثیر آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر خویشتن‌داری جنسی دانشجویان از آزمون تحلیل کواریانس، با رعایت پیش فرض‌های آماری استفاده شده است. در جدول ۱ شاخصه‌های توصیفی متغیر پژوهش، یعنی خویشتن‌داری جنسی به تفکیک گروه آزمایش و کنترل و پیش‌آزمون و پس‌آزمون، ارائه گردیده است.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی خویشتن‌داری جنسی دانشجویان بر حسب گروه و مرحله آزمون

شاخص	گروه کنترل		گروه آزمایش	
	قبل از آموزش هوش معنوی	بعد از آموزش هوش معنوی	قبل از آموزش هوش معنوی	بعد از آموزش هوش معنوی
میانگین	۱۰/۹۴	۱۱/۳۴	۱۱/۱۳	۱۶/۹۶
انحراف استاندارد	۲/۳۰	۲/۴۸	۲/۲۲	۲/۱۵
حداقل	۸	۹	۸	۱۳
حداکثر	۱۲	۱۲	۱۲	۱۸
تعداد	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳

چنانکه در جدول ۱ مشاهده می‌شود میانگین خویشتن‌داری جنسی در گروه آزمایش در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون ۵/۸۳ نمره افزایش داشته است. این در صورتی است که میانگین خویشتن‌داری جنسی در گروه کنترل فقط ۰/۴۰ نمره افزایش داشته است که نشان‌دهنده تغییر افزایشی میانگین در پس‌آزمون گروه آزمایش نسبت به پیش‌آزمون است. فرض همگنی واریانس‌های دو گروه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون با استفاده از آزمون لوین ارزیابی شد؛ نتایج داده‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- نتایج تحلیل واریانس برای همگنی دو گروه آزمایش در مرحله پیش‌آزمون

متغیر	آزمون همگنی واریانس‌ها							تخلی واریانس
	Levene Statistic							
خویشتن‌داری جنسی	۰/۳۱	۰/۲۴	۲۱۷/۵۴	۱	۲۴	۲۱۷/۵۴	۱/۲۴	۰/۳۸۴

با توجه به جدول ۲، آزمون لوین نشان می‌دهد که متغیر خویشتن‌داری جنسی دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پیش‌آزمون واریانس‌های یکسانی دارند؛ بنابراین مفروض انجام تحلیل کواریانس فراهم است. جدول زیر نتایج تحلیل کواریانس فرضیه اصلی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۳- نتایج تحلیل کواریانس
برای بررسی اثر بسته آموزشی بر خویشن‌داری جنسی گروه‌های آزمایش و کنترل

متغیر	SS	df	MS	F	P
خویشن‌داری جنسی	۲۴۳/۵۱۳	۱	۲۴۳/۵۱۳	۴۸/۷۹	۰/۰۰۰۱

در جدول ۳ اثرات اصلی متغیرهای پژوهش گزارش شده است. بر اساس این نتایج، از آنجا که مقدار F به دست آمده ($P < ۰/۰۱$) معنادار است، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر خویشن‌داری جنسی (فرضیه پژوهش) تأثیر معناداری داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

آزمون فرضیه این تحقیق نشان داد که آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی می‌تواند بر افزایش خویشن‌داری جنسی دانشجویان اثر بگذارد و موجب تفاوت معناداری بین میانگین‌های دو گروه آزمایش و کنترل شود.

در تبیین اثربخشی آموزش هوش معنوی بر افزایش خویشن‌داری جنسی دانشجویان باید گفت که بر طبق مؤلفه اول تعریف سانتوس (تعریف منتخب از میان تعاریف متعدد هوش معنوی) هوش معنوی یعنی باور داشتن به اینکه ما موجوداتی معنوی هستیم و بی‌شک معنوی دانستن خود می‌تواند عامل بازدارنده‌ای در برابر انجام رفتارهای ضد معنوی، مانند رفتارهای جنسی غیرخویشن‌دارانه، قلمداد گردد؛ چراکه بر طبق تحقیقات هولدر و دیگران (۲۰۰۰) معنویت یک عامل محافظت‌کننده نوجوانان برای مقاومت و تسلیم نشدن در برابر رفتارهای پر خطر و فشارهای منفی جنس مخالف است. همچنین یک و دیگران (۱۹۹۱) معتقدند افرادی که باورها و ارزش‌های قوی معنوی را حفظ کرده‌اند، دارای قوه تمیز بیشتری در موضوع رفتار جنسی هستند. نظر لیک (۱۹۹۳) مبنی بر اینکه میزان معنویت نوجوانان رابطه‌ای مثبت با خویشن‌داری دارد، مؤید اثرگذاری این مؤلفه هوش معنوی سانتوس (۲۰۰۶) بر خویشن‌داری جنسی است. بر اساس مؤلفه دوم سانتوس، یعنی باور به یک موجود معنوی برتر (یعنی خداوند)، خداوند می‌تواند عامل بازدارنده مهمی در برابر رفتارهای غیرخداپسندانه، مانند رفتارهای جنسی نامشروع، باشد. نظر فیشر (۱۹۸۶)، که معتقد است نوجوانانی که خودشان را معنوی می‌پندارند در قیاس با

نوجوانانی که با «خداوند» یا «موجودات برتر» دیگر ارتباط معنوی ندارند، احتمالاً کمتر مشغول به رفتارهای پرخطر می‌شوند، اثرگذاری مؤلفه دوم هوش معنوی سانتوس بر خویشتن‌داری جنسی را تأیید می‌کند. مؤلفه سوم تعریف سانتوس وجود کتاب راهنمایی از سوی خالق را لازم می‌داند. قرآن، کتاب راهنمای مسلمانان، به شدت رفتارهای غیرخویشتن‌دارانه جنسی را رد می‌کند و آن را گناهی بزرگ می‌داند. برای تبیین اثر آموزش این مؤلفه، کروین و بندا (۲۰۰۱) در تحقیقی نشان دادند که خواندن کتاب مقدس تأثیر بازدارنده بر اعمال غیرخویشتن‌دارانه افراد دارد. مؤلفه چهارم سانتوس، یعنی هدفدار بودن زندگی، نیز انسان را از باری به هر جهت بودن و لابلالی‌گری و اقدام به رفتارهای غیرخویشتن‌دارانه جنسی باز می‌دارد. هر کدام از مؤلفه‌های پنجم و ششم سانتوس، یعنی شناختن جایگاه خود در نزد خداوند و لزوم رعایت اصول زندگی، می‌تواند تأثیر بسزایی در ارتقای سطح خویشتن‌داری جنسی انسان داشته باشد.

نتیجه به دست آمده در تحقیق حاضر، در مجموع با نتایج تحقیقات هولدر و دیگران (۲۰۰۰)، که معنویت را یک عامل نگهدارنده نوجوانان برای مقاومت و تسلیم نشدن در برابر رفتارهای پرخطر و فشارهای منفی جنس مخالف می‌داند، هم‌سو است. این نتیجه با نتیجه تحقیق بک و دیگران (۱۹۹۱)، که معتقدند افرادی که باورها و ارزش‌های قوی معنوی را حفظ کرده‌اند دارای قوه تمیز بیشتری در موضوع رفتار جنسی هستند، نیز هم‌داستان است. نظر لیک (۱۹۹۳) مبنی بر اینکه معنویت نوجوانان رابطه مثبتی با خویشتن‌داری دارد، مؤید نتیجه تحقیق حاضر است. تحقیق فیشر (۱۹۸۶) نیز نتیجه‌ای مطابق با نتیجه تحقیق حاضر دارد. فیشر به این نتیجه رسید که نوجوانانی که خودشان را معنوی می‌پندارند در برابر نوجوانانی که با خداوند یا دیگر موجودات برتر ارتباط معنوی ندارند، احتمالاً کمتر مشغول به رفتارهای پرخطر می‌شوند.

در جمع‌بندی یافته‌ها می‌توان گفت آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی یک سازه منسجم و کاربردی از معنویت است که بر افزایش خویشتن‌داری جنسی دانشجویان تأثیر دارد. با توجه به آمار روزافزون رفتارهای آسیب‌زای جنسی جوانان، باید بر روی عوامل مؤثر بر خویشتن‌داری جنسی آنان، که از مهم‌ترین آن‌ها ارتقای سطح معنوی و رشد هوش معنوی است، سرمایه‌گذاری پژوهشی و تحقیقاتی صورت پذیرد.

با توجه به مذکر و دانشجو بودن گروه نمونه، نتایج این پژوهش قابل تعمیم به جنس مؤنث و غیردانشجو نیست؛ اما می‌توان تحقیق مشابهی بر روی دانشجویان دختر صورت داد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های کیفی جهت پی بردن به نواقص و ارائه راهبردهای آموزشی مناسب در دو موضوع هوش معنوی و خویشتن‌داری جنسی و نیز مطالعات تطبیقی و بومی‌سازی بر روی دو مفهوم هوش معنوی و خویشتن‌داری جنسی انجام شود.

منابع

- احمدی، محمدرضا، گلزاری، محمود، شاملی، عباس علی و رسول‌زاده طباطبایی، کاظم (۱۳۸۷)، «بررسی ابعاد روان‌شناختی مناسک حج و تأثیر آن بر سطح دین‌داری حجاج»، *روان‌شناسی و دین*، سال اول، شماره ۴، ۷-۴۳.
- جعفری، الهه (۱۳۸۶)، *ساخت مقیاس خویش‌داری جنسی و هنجاریابی آن در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، گروه روان‌شناسی.
- سهرابی، فرامرز (۱۳۸۷)، «مبانی هوش معنوی»، *فصلنامه سلامت روان*، سال اول، شماره ۱، ۲۰-۲۲.
- شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۰)، *پویایی گروه و مشاوره گروهی*، تهران: رشد.
- صادقی جهانپهان، محمود (۱۳۷۹)، «روانپزشکی مذهبی، تأثیر اعتقاد دینی در عملکرد بالینی»، *ماه‌نامه روان‌شناسی دین*، سال دوم، شماره ۳، ۷۷-۸۱.
- غباری بناب، باقر، سلیمی، محمد، سلیمانی، لیلا و نوری‌مقدم، ثنا (۱۳۸۶)، «هوش معنوی»، *اندیشه نوین دینی*، سال سوم، شماره ۱۰، ۵۶-۶۹.
- گلزاری، محمود (۱۳۷۹)، *تهیه ابزارهایی جهت سنجش عمل به باورهای دینی و انواع حیا و بررسی رابطه دینداری و حیا با ویژگی‌های شخصیت و سلامت روانی*، پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، گروه روان‌شناسی.
- _____ (۱۳۸۵)، *تربیت جنسی در غرب و مقایسه‌ی آن با سنت و سیره‌ی نبوی؛ چکیده مقالات همایش پیامبر اعظم و تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۱)، «روان‌شناسی رشد اخلاقی، ارزشی و دینی در نوجوانی و جوانی»، *فصل‌نامه حوزه و دانشگاه*، سال هفتم، شماره ۳۱، ۵-۱۵.
- ناصری، اسماعیل (۱۳۸۶)، *بررسی مفهوم و مؤلفه‌های هوش معنوی و ساخت ابزاری برای سنجش آن‌ها در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی*، سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، گروه روان‌شناسی.
- Amram, Y. (2005), *Intelligence Beyond IQ: The contribution of emotional and spiritual intelligence to effective business leadership*, Institute of Transpersonal Psychology.
- Amram, Y. (2007), "The Seven Dimensions of Spiritual Intelligence: An Ecumenical Grounded Theory", The 115th Annual Conference of the American Psychological Association, San Francisco, CA.
- Beck, S. H., Cole, B.S. and Hammond, J. A. (1991), "Religious heritage and premarital sex: Evidence from a national sample of young adult", *Journal for the Scientific Study of Religion*. 30(2), 173 – 180.
- Chadwick, B.A. and Top, B.L. (1993), "Religiosity and Delinquency among LDS, Adolescents", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 32 (1), 51-67.

- Childs, G. (2007), Psychosocial factors that influence, abstinence and sexual activity among African American adolescent girls (Doctoral dissertation), University of South Carolina, Retrieved from www.proquest.com
- Corwyn, R. F. and Benda, B. B. (2000), "Religiosity and Church Attendance: The Effects on Use of "Hard Drugs" Controlling for Sociodemographic and Theoretical Factors", *The International Journal for the Psychology of Religion*, 10 (4), 241-258.
- Donahue, M. J. and Benson, P. L. (1995), "Religion and the wellbeing of adolescents", *Journal of Social Issues*, 51, 145-160.
- Doswell, W. M, Kouyate, M., and Taylor, J. (2003), "The role of spirituality in preventing early sexual behavior", *American Journal of Health Studies*, 18 (4), 195 – 202.
- Fisher, T. D. (1986), "An exploratory study of parent – child communication about sex and sexual attitudes of early, middle, and late adolescents", *Journal of Genetic psychology*, 147 (4), 543- 557.
- Holder, D. W., Durant, R., Harris, T., Daniel, J. H., Obeidallah, D., and Goodman, E. (2000), "The association between adolescent spirituality and voluntary sexual activity", *Journal of Adolescent Health*, 26 (4), 295-302.
- King, D. B. (2007), "The Spiritual Intelligence Project", Trent University, Canada, Retrieved from www.dbking.net/spiritualintelligence.
- Leak, O. K. (1993), "Relationship between religious orientation and sexual behavior", *Journal of Psychology and Theology*, 21, 315 – 318.
- Noble, K. D. (2000), "Spiritual Intelligence. A new frame of mind", *Advanced Development Journal*, 19, 1-28.
- Rosenau, D. E., and Tan, E. S. N. (2002), "single and sexual: the churches neglected dilemma", *Journal of Psychology and Theology*, 30 (3), 185 – 194.
- Santos, E, Severo (2006), "Spiritual intelligence; What is spiritual intelligence?" Retrieved from www.Skopun.Files.Wordpress.com.
- Sisk, D. A. and Torrance, E. P. (2001), *Spiritual intelligence: Developing higher consciousness*, Buffalo, New York: Creative Education Foundation Press.
- Zohar, D. and Marshall, I. (2000), *SQ: Spiritual intelligence, The ultimate intelligence*, London: Bloomsbury.

تأثير تعليم مكونات الذكاء الروحاني في كبح الشهوة الجنسية عند الطلاب البنين

abedininasir@yahoo.com

نصير عابديني / طالب دكتوراه في علم النفس، المعهد العالي للحوزة و الجامعة
فرامرز سهرابي / أستاذ مشارك في جامعة العلامة الطباطبائي

المخلص

تهدف هذه المقالة إلى تحديد مدى تأثير تعليم مكونات الذكاء الروحاني في كبح الشهوة الجنسية عند الطلاب البنين في جامعات مدينة طهران، وتعتمد الدراسة على منهج الاختبار من نوع الاختبار القبلي-البعدي وإنشاء مجموعة المقارنة. أمّا المجتمع الإحصائي للدراسة، فيتمثل في جميع طلاب البنين في جامعات مدينة طهران، حيث اختير من بينهم ٢٦ شخصاً بشكل عشوائي عنقودي وفي عدة مراحل، وقد استخدم الباحثان استبانة كبح الشهوة الجنسية لجمع البيانات، ومنهج محاسبة الوسط والانحراف المعياري لوصفها، كما استخدمتا التباين المشترك (كوفاريانس الإحصائي) لتحليلها. وأسفرت نتائج تحليل البيانات عن أن تعليم مكونات الذكاء الروحاني ينجم عن زيادة كبح الشهوة الجنسية عند الطلاب البنين في جامعات مدينة طهران.

الكلمات الدالة: الذكاء الروحاني، كبح الشهوة الجنسية، المنهج الاختباري.